

هفتمین ماه فروردین ۱۲۷۷ مسیحی  
 بهت بکفرا  
 بهت اعلان  
 آدابیه  
 چهار قسط  
 سلطی ده شاهی  
 بکعباسی



دوشنبه بیستم شهریور سال ۱۲۹۴ هجری  
 مرکز اخبار و اطلاعات علمی بلاد طباطبائی  
 بنویسند درین روز نامه باسم خود او نوشته  
 خواهد شد

## روزنامه علمی

اقامه زاعلی دکترا که از فحول اطبای مجرب و دارای فنون علم  
 طبی و غیره میباشد و تازه از سفر فرنگستان که محض تحصیل  
 رفته بودند مراجعت کرده و صاحب امتیازات خاصه شده مطالب  
 دوزبل را که انکشافیت بسیار مفید ترجمه کرده بمطبعه علییه  
 فرستاده اند علاوه مختصر تحقیقی از خودشان در شرح حال ایشان در روزنامه  
 طریقه جدید در معالجه سرطان اختیار میکنم بخوانند روزنامه  
 خود آنچه را که از ترقیات علم طب در روزنامه مسکو خوانده ام  
 در مسکو در مجمع اطبای روس روز بیست و یکم ماه دسامبر گذشته  
 دکترا (استر و بندر) نام مطلبی بیان کرده در ترجمه کرده بود بجهت  
 معالجه سرطان بواسطه نبات هندی معروف (با سیم کواک) این نبات  
 هواک نیز نامند با این اسم مینامند در هندونگی دینای جنوبی طایفه  
 از نباتات را که آنها را شوثر و تریاق مینامند بجهت کزیدن هوام بخصوص  
 برای کزیدن افعی غالب اجزای این دوا در طب مستعمل است آنچه را  
 خود در دوا خانہ پاریس دیده ام سابق آن نرم و سهل الانعطاف است  
 و چنانکه مذکور شد بتربایقه معروف در شبه آن بجهت ادرار طشت  
 استعمال کنند عصاره آنرا هم از داخل استعمال میبایند و هم بروی  
 جراحت بجهت التیام آنها میکنند  
 سفوف از آن نیز مستعمل است که صورتی مثل دیشربال است

تقصین یعنی پرورده آن در الکل در بسیاری از امراض از قبیل  
 ورمی که منتهی بچرک شود و باد سنج غانقران و زخمهای که بسبب  
 ورم آورده پیدا میشوند و در مددی که بقیحه حرقة البول است  
 و در جمیع اقسام زخمهای آلات تناسل و در غالب امراض نوان مستعمل  
 خوانند مطالب دکترا استر و بندر نه تنها بجهت اهل مجلس مطالب  
 علییه و خواص این دوا را ذکر کرد بلکه امتحانات زیاد کثیر المنفع  
 بیان کرد که دکترا مذکور در محکم دکترا و ن شیمیت در مسکو درین  
 دوا نموده بود  
 در به طلب میان اطبا کفنگوی زیادی شد و مدتی در مجلس طرح  
 بود و در آن مباحثه میکردند که اگر بخواهیم آنرا بتفصیل فکر کنیم  
 تطویل است بلا طایل  
 چیزی بکرمه است و منفعت او عام است بجهت جمیع مردم این است که  
 ایا طریقه تازه بجهت این بلای انسان یعنی سرطان که میگویند ممتنع  
 العلاج است پیدا شده است پانه  
 از اهل مجلس کتب مختلف بود بعضی از آنها اعتقاد  
 غرضانه اظهار نمودند طایفه دیگر بر این شدند که ممکن نیست این مرض  
 بکلی علاج شود و قلع ماده آن کرد بیاناتی که کردند و دلایلی که ذکر  
 نمودند دلایلی نبود که افاده یقین کرده و محل کفنگو نباشد

## تاریخچه جنگ بین اصفهان و سومریکبار الامر

حضرت بن کوبد از قریبیکه نوشته اند حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام در زمان منوچهر ظهور نمود و بنی اسرائیل را  
 از خاک مصر بیرون کرد و در ایام کهن حضرت سلیمان علیه السلام پادشاه بنی اسرائیل شد و در ایام هوشاب بخت النصر بطرف  
 مغرب تاخت و مدینه اليهود که او ز شلم باشد خراب کرد و بهود را کوچانیده آنها را بچند دسته نموده هر دسته را در یک بلدی از بلاد  
 برای خدمت و بردگی جاداد و در زمان کتاسب زردشت ظهور نمود و در زمان دارا ابن اسکندر در بلاد مغرب ظاهر شد  
 و در زمان شاپور ابن اشک حضرت مسیح علیه السلام ظاهر گردید و در زمان شاپور ابن اردشیر مانع ظهور کرد و در زمان قباد مزید  
 پیدا شد و گفته اند فریدون مملکت خود را در میان سه نفر اولاد خود تقسیم نمود و آنها سلم و طوج (نور) و ابرج بودند عراق و مغرب  
 آنرا از بلاد تا خاک مغرب و بلاد هند با ابرج داد که اصغر اولاد او بود و او را مخصوص بخت و تاج کرد و خاک روم و بلاد فرنگ با بلاد  
 مغرب سلم که اکبر اولاد او بود بخشید و بخت و چین و بلاد مشرق را بطوج که فرزند او وسط او بود و اگذار نمود سلم و نور بر این  
 سدبره متوجه قتل او شدند و فریدون کسی است که افسون برای کزندگان پیدا نمود و تریاق از خود افعیها بساخت و اسار

مثلا ابراد بر مطلب کتر نموده بودند که او مرتبه های مبتدای با برتری  
 که قبل از شروع بمعالجه عکس آنها را انداخته پس از آنکه مرض بکلی مرتفع  
 شد غلستان را بر داشته ثابت نموده بود که بکلی رفع مرض شده  
 با نگر باعث شفا این دو این بوده بلکه بواسطه سنگ جبین و سایر  
 ادویه که تیر بوده است یعنی در کرا ابراد کرد که نکت بابت این  
 خاصیت گوارا از معالجه دوسه فرقی در کردن باید بیشتر از اینها  
 دقت کرد و مرضی را ازین دو معالجه کتر تا بتوان نتیجه  
 که اغارة بقیه کند گرفت

خواننده مطالب کتر با شفا صبر اولی ابراد که به وجهه جواب مبارکه  
 منتهی داد که شما که با این مطلب من ابراد مینمایند و در این رابطه  
 مؤثر قوی بنامند سبب اینکه بنودتان درین مرض انرا بکار نمیرد  
 و انرا در بر بدن مینمایند که در وقت رجوع بسیار دارد و غالباً قات  
 نیز نکت میکند چینیست و با براد دیگران جواب گفت که من بیشتر از  
 چند ماه نبت که گوارا شناخته و استعمال مینمایم درین مدت قبل  
 ممکن نبود که زاده ازین برین ملاحظه کرده و شرح حال و علاج اینها  
 واضح نمایم ولی ممکن است که بعد ازین ملاحظات و معالجات بسیار  
 کرده و بجمع اطبا معروض ذام اضافه میکنم برین مطلب ازین  
 که این معالجه زیاد مفید بنظر آمد دولت روس به دکتر و ن شهبه  
 و دکتر استرو بند را اجازه داد که ملاحظات و معالجات خودشان را در  
 مرین خانه قدیم سنت کاترین مسکو نموده و بر جمع اطبا معروض دارند  
 انتهای

بجهت شناختن کنگنه اصل که بر باج و مشتری مشبه نشود آنچه در  
 سازهای معروف فرنگ معلوم نموده اند باید گرفت بجز و کنگنه  
 و چهار جز و اتر و دو جز و جوهر نشاد در دوشه شتر و نخت و تکان داد

اگر کنگنه تا مالم مخلول شد و اجزاء ارضی باقی مانده جز آب شد کنگنه  
 خوب و بی غلبت است و الا یکدین و سنگونین است که بواسطه شباهت  
 صوری و وضع مشابهت غالباً مشبه میشود

بقیه از جنس صبر است که باقیست در کنگنه که در الفوق  
 قدری ای انجا جمیع وطوبات بیضا و به بدینتر و باغم نامیده اند و برای جمیع  
 اینها این مزاج مخصوص قابل شده اند یعنی سرد تر و تمام مواد از صبر انرا  
 سرد تر من کرده اند و بجهت هر یک طبیعت واحد قابل شده اند یعنی گرم  
 و خشک با اینکه وطوبات مذکوره چندین جنس مختلفه الما صیه هستند  
 که جز بجهت وجود هیچ اشتراکی باهم ندارند ماهیت و طوبت خاصه غیر  
 ماهیت و طوبت مفصلیه است و صورت نوعیه و طوبت بزاقیه غیر  
 صورت نوعیه و طوبت کبوتیه و کبوتیه و هکذا و طوبت زجاجیه  
 و بیخیه و منویه و طلبیه و عرق و بول و شیره و غیره همان و طوبت مخلوبه  
 فقط نیز چندین قسم است که هر یک را کمال مغایرت با دیگری است هم  
 بحسب صورت هم بحسب ماده هم بحسب اثر مثلاً طوبت بزاقیه بواسطه  
 اختلاف موادش مواد نشاسته را تبدیل بقند کرده بمغده منفرستد  
 بجهت صرف احتراق دیر و گرمی بدن و طوبت مثر شجره از غلده و خل  
 تعده مواد قابل تغذیه را قابلیت جذب میدهد برای انجذاب عروق  
 ماسا و بقا و غیره از بدیهات است که اختلاف اثر بواسطه اختلاف  
 مزاج است اختلاف مزاج هم بواسطه اختلاف مواد انا و ناشیه از مواد  
 مزبوره محسوس است کمال مغایرت را باهم دارند و صورت نوعیه اینها  
 هم واضح است مخالف بکدی بگردند پس مزاجشان هم منحصر در واحد  
 نخواهد بود  
 بقیه در غیره انبیه  
 این اخبار را یکی از بزرگان انگلیس بمطبعه انبیه فرستاده خواهرش فرود  
 که این عبارات نوشته شود

**بقیه از جنس صبر است که باقیست در کنگنه که در الفوق**

از دست و منافع نباتات را او مد بافت کرده مردم را بدان رهبری نمود تا بواسطه آن خواص دفع آفات از خود نمودند و او حکم کرد تا نورا  
 بر مادان کشیدند تا قاطر بصل آمد که دارای قوت خروسیکی و چابکی است و فریدون در داری با بل منزل نمود و انشاء عالم  
 منوچهر منوچهر از اولاد ابرج بن فریدون بود و او کسی است که خرفرات و خمر مهران را احداث کرد و خمر مهران بزرگتر از خمر  
 فرات است و از فرات شعبه های بزرگ سوا کرد و در سال ششم سلطنت او حضرت موسی علیه السلام بنی اسرائیل را از خاک مصر  
 بیرون برد و در بیابان موسوم به تنیه مکث نمودند و مدت چهل سال سرگردان بودند و حضرت موسی موانب امور آنها بود و در آن  
 بیابان تورات برای بنی اسرائیل نوشت و نیز در ایام سلطنت منوچهر خلیفه حضرت موسی پوشع حرکت کرده تا اینکه از تنیه بنی اسرائیل  
 وارد فلسطین نمود و منوچهر انواع و باحین را از کوهها نقل کرده بدشت آورد و در زمینها غرس نمود و در آنجا ابراد بوار کشید و همینکه  
 بومی در پاجین منتشر شد آن محلها بوسنان نامید و معنی این کلمه معادن العرف و الترواج میباشد (یعنی معدن بوی خوش) و در  
 زمان سلطنت منوچهر از اسباب ترک بر مملکت ایران غلبه کرد و منوچهر را از تخت و تاج محروم نموده در جنگلهای مازندران متوقف داشت

در روزنامه علمی نمره دوازدهم نسبت با تاثر پوخته نوشته شده بود که در  
 وراج علم ندادند و نیز اقتد علم حقیر و بی توقیر است که جای هر کونه  
 افکوس است در روزنامه آثار پوخته درین خصوص اخبار تازه دهنده شد  
 هرگاه درین روزنامه شریفه علمی جا بدهد ترجمه شود اخبار نامزدین  
 علوم آن دولت تازه منتشر شد و درین اخبار نام خبر داده است که  
 در آثار پوخته اسامی شاگردان مدرسه دولت سوای مدارس ملت  
 در سنه یک هزار و هشتصد و هفتاد و پنج مسیحی که در اینجا ضبط شد  
 هفتاد و دو و بیست و پنجاه و شش هزار و ششصد و پنجاه و نه نفر  
 بودند که مشغول تحصیل علوم بودند و برای تعلیم این شاگردان از اعتبار  
 بود به دو بیست و چهار و نه هزار و دو بیست و شصت و دو معلم که مشغول  
 تدریس ایشان شدند و خرج مدارس و لایق مزبور در سنه مزبوره هشتاد  
 و هشت ملیان و ششصد و چهل و هشت هزار و نهصد و پنجاه و شش  
 دالر بود (که هر دالری معادل پنجاه دینار پول ایران است) و این  
 مقدار پول تقریباً هشتاد و نه هزار تومان میرسد و باید دانست که  
 این مخارج مدرسه و معالین که دولت میدهد هیچ وجهی من الوجوه  
 از شاگردان چیزی گرفته نمی شود ازین و اجازه و فرمودند که هر کس  
 میخواهد آنجا برود و تحصیل علوم نماید و مخارج ساختن مدارس  
 و کتابهای آن و اسباب دیگر که بکار علوم میخورد و متعلق آنست  
 تقریباً یکصد و هفتاد و چهار هزار تومان شده و مظنه این بند  
 افست که برای تربیت و معانی علم و دانش تنها کفایت نمیکند بلکه  
 واسطی قلبی درین صیغه معتبر است مثلاً هرگاه کسی علم و دانش زیاد  
 از یاد داشته باشد و دل او راست نباشد زیاد نمیکند این علم  
 و دانش مگر قدرت و قسطنی که بجای آید و در عمل ناسد  
 بقیه اخبار حفظ جهت میرزا ابوالحسن حکیم شیبانی

دو ششانه شایسته وقت بسیار و معرفتش در علم حفظ صحیح بکار  
 چه در ابدان انسان اثر عظیم دارد و کیفیت این اثر با بیانات فیزی  
 اثوری (علم با عمل بدن در حال صحت) و فیلسوفی خود علی است  
 که کتابی مخصوص دارد ولی مجمل است میتوان ثابت کرد که موجودات  
 آلت دار ناچار انداز و ششانه و بیانات نیز مانند حیوانات و ششانه  
 در کار دارند و نادر است که بعضی بنیانها در مواضع عاری از  
 خطوط شعاعی دسترس باشند و کلبه بنای که در رو ششانه نباشد  
 پشورده و بی رنگ و بی نظم است انسان و حیوانات که ازین نعمت عظیم  
 بقدر لایق محرومند نیز پشورده و فی الحقیقه نقاحت دارند چنانچه  
 معدن کاران و مجوسین در اینه ار و کارگران در مواضع تار پیک  
 این حالت غصه از عدم رو ششانه را از سبب ظاهر میکنند و نیز بدین  
 سبب است که بعضی از مسکنه بد بخت شهرهای بزرگ که در مواضع  
 که با آتش شعاع محدود و بیرونیها کوچک و تنگ است مسکنی دارند  
 بی رنگ و خنابری و مسکولند در بسیاری از آنها تغییر مکان ممکن  
 نیست ولی در بعضی که تغییر مکان داده و شاید شرایط حفظ صحت  
 معمول داشته اند بزودی صحت یافته اند خلاصه افکوس که منفعت  
 رو ششانه بر اغلب مردم مخفی است و زنان که عادت بخوابیدن ناظم  
 کرده اند و آنان که روزی از کثرت خفتن شام میکنند و شب  
 از تعداد چراغ روز بیدارند که بی رنگی و لاغری و افات عصیان که  
 همواره آنها را قرین غصه میدارد محض همین بکارند داشتن رو ششانه  
 و کثرت چراغ را در شب سودی نیست چه رو ششانه مصنوعی هرگز  
 جای آفتاب را نمیکرد و اثر این دو قسم رو ششانه متحد نیست زیرا  
 و بی رنگی و بیف کردن گوشت بدنها ایشان نیست مگر همین واسطه  
 بدی تدبیر و کچی خیال ایشان در رو ششانه پس آنان که بلا خطر

بقیه ترجمه تاریخ حکیم شیبانی

و دوازده سال بر این مملکت مستولی بود و در هر سالی ازین دوازده سال شمیری خراب و حصنی و بران میشد و نخرها از نخرهای خود  
 خارج میشدند همیشه با آب صبر و پدید آمدن هفتاد و سه سال پنجم از سلطنت افراسیاب قحطی اشکار شد و مردم مبتلا بغلای گردیدند  
 و آبها خشک شد و آبها را با بر کردید و مزایع لرزه ماندند تا اینکه پروردگار عالم شر او را دفع کرد و بنام خود افراسیاب بنای از دیوار  
 مرو بنامه قهند ز طبلی بر کردید از دوازده بنی و الله اعلم بالعلایق و التراسر  
 ذوابین طبع اسباب همینکه زو پادشاه شد حکم کرد خرابیهای زمان افراسیاب را مرتتیب نماید و باز آنها را مبدل با باری کنند شهرها  
 و قلعه ها بنایند و مجاری آنها را حفر و پاکیزه کنند و خراج و تمیلات را از مردم برداشت بلاد معمور شد و حسن حال عود کرد بلکه بهتر  
 از آن شد که بود و در ارضی سواد و نخر جفر و ابداع نمود آنها را از این نامید و آب این معجزه کو را از آب دجله بود و در عهد او کیفیتاً  
 که اول پادشاه کبان بود تربیت شد و در اسالمت او نیز کز شایب پادشاهی کرد  
 کعباد همینکه کعباد پادشاه شد مردم را داشت با یاد کردن اراضی و ادای عشر ظلمه برای آنوقت قیون که بمحفظ سرحدات و دفع اندک

کسب با عادت در موضع که روشنائی زندگانی دارند البته هم خود را  
تصویر تغییر مکان و رستن از ظلمت و رسیدن بروشنائی نمایند  
و فهمیدن و عمل کردن بدین قاعده بر هر نفس شعوری فرض است

**سؤال** امیرزاده محمد ظاهر میرزا نایب و ذرات جلیله خارجه  
متعلق بادب از ادبای دارالخلافه با هره

صاحب کتاب و فیات الاعیان در ذیل ترجمه ابو عبیده معمر بن المنذر  
التیمی چنین گوید (قال الثوری دخلت المسجد علی ابي عبیده وهو  
بکف الارض جالساً وحده وقال له من القابل) (اقول لما وقد جئتک  
وجئت مکانک محمدی او تسریحی) (فقلت له قطرب بن ابیاء  
فقال فض الله فانه هلاکت هو الامیر المؤمنین ابی نعامة ثم قال  
اجلس واکتم علی ما سمعت منی قال فما ذکرته حتی مات قلت انا وهد  
الحکایة فیها نظر لان هذا البیت من جمله ایبات لعمر بن الاطنابة  
الانصاری الخزرجی واطنابه امه واسم ابیه زید بن مناة لا یکاد  
بخالف فی احد من اهل الادب فانها ایبات مشهورة للشاعر  
المذکور آنه

این بنده محمد ظاهر با بنجمن ادب اعرض مینماید که درین حکایت همچنانکه  
ابن خلکان خود ملتفت شد نظر و تامل است لیکن اشتباه از  
محل دیگر است که نه راوی و نه ابن خلکان هیچکدام ملتفت نشدند  
پس میسریم که آن اشتباه چه باشد **محمد ظاهر**  
**بقیه اخبار شریفه در جناس سندی و تحقیق شریف**  
کچ مثل نمک در همه جا است و آهنگم در کوههای ایران موجود  
زغال سنگ هم در ایران فراوان و در نزدیکی قزوین و طهران و  
در خراسان و فارس خیلی پیدا میشود و ممکن است که کوههای طهران

و خیابانها با کاز که بخار زغال سنگ است روشن شود زیرا که  
زغال نزدیک است و بقیه مت قلبی وارد طهران میشود و شک نیست  
که روشنائی کاز از روشنائی شمع با چراغ نفت از آنتر مینماید  
و همچنین بقیه است که روشنائی کاز از روشنائی شمع و چراغ  
بیشتر است و بمبلغ بیست هزار تومان کل اسباب کارخانه کاز  
کوچک که کفایت روشن کردن خیابان و کوههای طهران را مینماید  
میتوان خریداری نمود

نفت سبزه که هم جنس زغال سنگ است نیز در ایران بسیار است  
ولی کارخانه پاک کردن آن نیست از چاه نفتی که نزدیک برازجان  
پانزده فرسخی بوشهر واقع است هر روز چندین هزار من نفت داخل  
رو در خانه دالکی شده و بدینا میریزد و هیچ صنعت از آن بکسی  
نماید نمیشود و در عربستان و کردستان و استرآباد نفت بسیار است  
و کسی اعتنا بان نمینماید و برای این مملکت بیفایده مینماید

### اعلانات

مرکز از ادبای فضل و دانش و اهل خبرت و اطلاع از علماء اعلام  
کثر الله تعالی امثالهم و غیرهم در باب غایبه طوفان عمومی  
که در عهد حضرت نوح بنی علی نبینا و اله و علیه السلام حادث  
شد علم و اطلاعی چه بر وفق احادیث شرعیه چه از روی تواریخ  
و سایر بعضی اطلاعات خارجی دارند با هر کونه ادله و برای  
در ظرف پانزده بوم اطلاع خود را مرقوم و ارسال مطبع علمیه دادند  
که در طی این روزنامه شریفه طبع شود  
مشربان روزنامه علمی را اظهار میدارند که قبض مخصوصی برای  
و قیمت روزنامه علمی در دارالطباعة طبع شد که همواره در روز  
بدون در یافتن آن قبض مخصوص مستعدی است و بناری با حدکندند

### بقیه اخبار شریفه در جناس سندی و تحقیق شریف

ماموران و اصفهان تا انوقت و لایقی بود مثل دی که قباد شمر دیگر بر آن افزود و آنرا (استان ایران نو تارث کوان) نامید و آن شهر  
که در اورستاقات بود که داخل میشدند از آن با اعمال قسم در زمان هر دو نریشید  
که کاس دارالملک که کاس بلج بود و در بعضی از کتب تواریخ و سپهر خوانده ام که کیکاس در بابل بنا شده بسیار بلند بنا کرده و عقیده من اینست  
که این همان بنا است که در حوالی بغداد و موسوم بعقروفاست ان یکی از اینها و علامات و آیات عظیمه مینماید و یکی از موزخین اسم این بنا  
صرح نوشته پس اگر این روایتی باشد معلوم میشود که در زبان بنطع عراق و جراسقه شام قصر واسم دارد صرح و معدل و عربی از متابعت کن  
بجز صرح و معدل نامیده اند **کجسرو** عقیده عجم اینست که کجسرو پیغمبر بود و از قرار مذکور کجسرو و بلج را دارالملک  
خود قرار داد و در اخبار عجم آمده است که کجسرو خبر دادند که در میان آخرفادس و اول اصفهان کوهیست سرخ موسوم بکوشید و در آن  
اژدهای است که سدرق نموده او امر کرده مردم جمع شدند و از بالای کوه که مشرف بر او بود یا و تاخته او را کتند و بشکران این کار خبر  
دو کنار این کوه آتشکده بنا کرده موسوم ناخت با تشکده کوشید **محمد حسن**